



داوری درباره جنگ بدون در نظر گرفتن نقش آفرینی زنان، ناقص و ناتوان از تحلیل جامع واقعیت خواهد بود. از تبلور نقش آفرینی زنان در طی جنگ، می توان تحت عنوان مشارکت سیاسی زنان در جنگ یاد نمود. در این مقاله تلاش خواهد شد ضمن شناخت نحوه مشارکت سیاسی زنان در جنگ تحمیلی، به تبیین عوامل موثر و بازدارنده آن بپردازیم. بررسی پیشینه تحقیق حاکی از آن است که

آثاری که درباره این موضوع به رشته تحریر درآمده، عمدتاً ماهیتی توصیفی داشته و کمتر به بررسی تبیین علل و عوامل موثر در آن پرداخته اند.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چه عاملی در مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق نقش اصلی را داشته است؟ بدیهی است قبل از پاسخ به این پرسش، ضروری است به برخی پرسش های دیگری همچون؛ مشارکت زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی به طور کلی تابع چه الگوهایی بوده است؟ عوامل موثر بر مشارکت زنان در جنگ ایران و عراق چه بوده اند؟ مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق از چه جلوه هایی برخوردار بوده است؟ پاسخ داده شود. فرضیه اصلی مقاله این است که: انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، با احیای ارزش های اعتقادی شیعه، سایر مولفه های موثر در مشارکت سیاسی زنان در ایران دوره جنگ را تحت تأثیر خود قرار داده و مشارکت منفعلانه آنان را به مشارکت فعال تبدیل نموده است.

برای پاسخ گویی به پرسش فوق و محک فرضیه، این مقاله در چهار قسمت سازماندهی شده است. در قسمت اول به مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان پرداخته می شود. قسمت دوم به جلوه های

مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق اختصاص دارد و در قسمت سوم عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار گرفته است. قسمت چهارم و پایانی مقاله نیز به نتیجه گیری از مباحث مطرحه در مقاله اختصاص یافته است.

مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است که میل و علاقه او نسبت به مشارکت در سرنوشت اجتماعی خودش را، باید از ویژگی های ذاتی وی به حساب آورد. حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش یکی از اولین دغدغه های او پس از ورود به جامعه بوده که در گذر زمان، ابعاد و پیچیدگی های تازه پیدا کرده است.

اگر این گزاره را که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است بپذیریم آنگاه شاید مجبور به اقرار شویم که انسان به تبع اجتماعی بودنش، باید سیاسی هم باشد، چرا که تشکیل هیچ اجتماعی بدون تدبیر امور و اداره آن ممکن نیست. درباره این نحوه مداخله انسان در تعیین زندگی جمعی خودش، که از آن به مشارکت سیاسی یاد می شود، دیدگاه های

۱. وجود همبستگی ساختگی یا مکانیکی؛
 ۲. ساخت قدرت سیاسی دو جانبه؛
 ۳. آزادی‌های اساسی در جامعه که فرصت عمل لازم را برای فرد فراهم آورد؛
 ۴. سطح قابل قبول توسعه اقتصادی؛ و
 ۵. تبادل منطقی اطلاعات میان قشرهای گوناگون جامعه، از الزامات اولیه تحقق مشارکت افراد در جوامع هستند.^(۳)
- برخی دیگر بر این باورند براساس پژوهش‌های موجود درخصوص حوزه عوامل جامعه‌شناسی، برخی از عوامل زمینه‌های مساعدتری برای مشارکت ایجاد

**مشارکت زنان در جنگ،
بعضاً در قالب سوژه
مطالعاتی دختران دانشجوی
نمود می‌یافت، آنجا که
به ساختن ماکت‌های رزمی،
عملیاتی و آموزشی
می‌پرداختند**

می‌کنند. بر این اساس، مشارکت سیاسی در جوامع دموکراتیک در بین دارندگان سطوح آموزش بالاتر، درآمد بیشتر و مشاغل برتر به نحو چشمگیری بیشتر است. همچنین مردان بیشتر از زنان مشارکت می‌کنند و نیز شهرنشینان بیش از روستائیان مشارکت دارند. طبیعتاً چنین

عواملی موجب کسب آگاهی بیشتر درباره زندگی سیاسی، دسترسی به اطلاعات، و سائل اطلاعاتی بیشتر و سازماندهی بهتر می‌شود.^(۴) از نظر میلیرات و گرنل نیز مشارکت سیاسی با چهار عامل مهم در ارتباط است که این عوامل عبارتند از: انگیزه‌های سیاسی، وضعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی.^(۵)

به طور کلی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی افراد را ذیل محورهای زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

(۱) علل روانشناختی: عوامل روانشناختی که به باورها و عادت‌های ذهنی افراد جامعه باز می‌گردد، وقتی

متفاوتی ارائه شده که در ادامه به طور مختصر به بیان تعریف و ویژگی‌های آنها می‌پردازیم.

مفهوم مشارکت سیاسی

بحث و بررسی درخصوص تعریف مفهوم، ماهیت، گستره و انواع مشارکت سیاسی، علاقه متفکران متعددی را به خود جلب کرده و بر همین اساس، مشارکت سیاسی نیز مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، به محل برخورد آرا و عقاید مختلف تبدیل شده است. از این رو به منظور بکارگیری مفهوم مناسب برای مشارکت سیاسی در این مقاله، کوشش می‌شود از میان تعاریف فراوان ارائه شده از سوی محققان، تعریفی پذیرفته شود که قابلیت بکارگیری، به عنوان یک تعریف عملیاتی را داشته باشد.

به طور کلی دو تفکر مهم مسلط در این زمینه وجود دارد: تفکر اول مشارکت را با ذکر خصوصیتی مانند داوطلبانه، انتخابی و قانونی بودن، آن را فقط در چارچوب نظام‌های لیبرال دموکرات قابل تحقق می‌داند. تفکر دوم نگاه عام‌تری به مسئله داشته و مشارکت را شامل کوشش‌های مردم در هر نوع نظام سیاسی، برای اثرگذاری بر آن می‌داند. مشارکت سیاسی در این تفکر حیطه وسیع‌تری از مشارکت تفکر اول دارد و همه‌گونه اعمال را در بر می‌گیرد.^(۱)

برداشت و تعریف پذیرفته شده از مفهوم مشارکت در مقاله حاضر این است که: «مشارکت سیاسی و اجتماعی، فرآیندی مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد به عنوان عضو جامعه و نظام در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی است.» طبق این تعریف، مشارکت سیاسی، عمل قابل مشاهده‌ای است که به طور داوطلبانه صورت می‌گیرد.^(۲)

عوامل زمینه‌ساز مشارکت سیاسی

درباره پیش شرط‌های مشارکت سیاسی به عوامل مختلفی اشاره شده است. برخی معتقدند عواملی نظیر:

ضروری و خصوصاً نقش‌های اجتماعی‌ای را که زنان باید در جامعه ایفا کنند به آنان می‌آموزد و در نتیجه آنان را برای حضور در میدان‌های مختلف اجتماعی مهیا می‌کند.^(۱۱)

۳) آموزش: همان‌گونه که امیل دورکیم اظهار می‌دارد: آموزش، فرآیندی است که زن از طریق آن شیوه‌هایی را می‌آموزد که در اجتماع یا گروه، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری دارای کارکرد هستند.^(۱۲) آموزش چگونگی مشارکت و آگاهی‌های لازم برای زنان به وسیله رسانه‌های گوناگون و در عین حال متناسب با شرایط و استعدادها و انگیزه‌های خاص زنان باید انجام پذیرد.

۴) فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی ترکیبی از پیشینه تاریخی، نظام ارزشی و تجربه‌های عملی گذشته و حال و خواسته‌های زنان در نظام سیاسی است.^(۱۳) البته به موارد فوق می‌توان استحکام بخشی به هویت عمومی زنان، علاقه به سرنوشت آینده جامعه در زنان، نقش تبلیغات تعالیم دینی و نقش مکانیسم‌های تشویقی را نیز افزود.

انواع و سطوح مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی پدیده بسیار پیچیده‌ای است. طیفی از انواع مختلف مشارکت سیاسی وجود دارد که در ادامه به چند نوع مهم آن اشاره می‌شود:

مشارکت فعال و منفعل: به مشارکت منفعلانه که از روی عدم اختیار و از روی اجبار و الزام باشد، مشارکت اطلاق نمی‌شود. اما مشارکت فعال در پی وجود تقاضاها و حمایت‌ها از طرف شهروندان و قبول آن از طرف رژیم سیاسی شکل می‌گیرد.

مشارکت خودجوش و برانگیخته: در مشارکت خودجوش، افراد به گونه‌ای خودجوش و با توجه به علایق خود با تشکیل انجمن، حزب یا گروه به فعالیت می‌پردازند. مشارکت برانگیخته از طرف دولتمردان حمایت می‌شود و به نوعی سازمان یافته و هدایت شده است.^(۱۴)

مشارکت توده‌ای و مشارکت مدنی: مشارکت سیاسی مدنی، مشارکتی است که از طریق احزاب سیاسی و

جلوه بیرونی و رفتاری پیدا می‌کنند، می‌توانند بر میزان و چگونگی عمل مشارکت سیاسی افراد تأثیر بگذارند^(۱۵) که این عوامل شامل موارد ذیل است:

- احساس شایستگی ذهنی برای فعالیت سیاسی: پایین بودن سطح احساس اثربخشی می‌تواند در دو حوزه مطرح شود؛ یکی ارزیابی از خود و شایستگی‌های خود که در نتیجه به ارزیابی مثبت از خود می‌رسد و حوزه دوم، ارزیابی از ساخت سیاسی و عرصه فعالیت‌های سیاسی است. به عبارتی، ارزیابی از محیط سیاسی می‌تواند به جلب اعتماد و یا عدم رضایت سیاسی منجر شود.^(۱۶)

- آگاهی نسبت به موقعیت

خویش: خودشناسی زیربنای تمام شناخت‌هاست. استاد مطهری در اینباره می‌گوید: خودشناسی به این معناست که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند و بداند که او آزاد، مختار و مسئول خویشتن و مسئول افراد و دیگران و مسئول آماده کردن

جهان و بهتر کردن جهان است.^(۱۷) در بررسی علل کم‌علاقگی زنان نسبت به سیاست، در حیطه عوامل روانشناسی چهار عامل محافظه‌کاری، فقدان انگیزه پیشرفت، احساس بی‌قدرتی در تأثیرگذاری سیاسی و عدم اعتماد به نفس در زنان موثر است.^(۱۸)

۲) جامعه‌پذیری سیاسی: فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند.^(۱۹) این فرایند، زنان را با شیوه‌های پذیرفته شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می‌کند و همچنین استعدادها و مطلوب‌های اجتماعی

زنان با اشراف خاصی
که بر منطقه مسکونی خود
داشتند، اطلاعات جمع‌آوری
شده را در اختیار مقامات و
مراجع ذیربط گذاشته و
نقشه‌های ستون پنجم را
خشی می‌کردند

آنها حتی به رغم مخالفت مردان، حاضر به ترک شهر و خانه خویش نشدند و سند افتخار و شکوه در صحنه بودن و مشارکت سیاسی فعال را در تاریخ سراسر عزت و سربلندی دفاع مقدس برای نسل های آتی و حاضر به یادگار و میراث گذاشتند. بانوان در این دوران، با کمک های بهداشتی، فرهنگی، هنری، اعتقادی، سیاسی و... به یاری هموطنان خویش می شتافتند و برای مقابله با دشمن مشترک و دستیابی به پیروزی در سطح ملی، با نهایت تلاش و همت بالا جنگیدند و در عرصه های گوناگون پیشبرد اهداف دفاع مقدس، حضور فعال و چشمگیری داشتند.

در این بخش از مقاله به چگونگی مشارکت و فعالیت های زنان در طول هشت سال دفاع مقدس می پردازیم:

الف) نقش رزمی - دفاعی زنان

پاسداری از حریم مکتب، دین، عقیده، ایمان و همچنین دفاع از خود، خانواده، وطن و نوامیس، امری است که بر هر انسان آزاده ای در مقابل تجاوز دشمن، واجب است. لذا دفاع از این آرمان ها در برابر تهاجمات دشمن، امر فطری و ذاتی است که در نهاد هر انسانی اعم از زن یا مرد به امانت گذارده شده است.^(۱۷) البته در تبیین واژه جهاد و دفاع و وجوب آن بر افراد، دو گونه جهاد ابتدایی و دفاعی متصور است که بنا بر حکم اکثر فقها، از جمله امام خمینی (ره)، جهاد دفاعی بر همگان اعم از زن و مرد، واجب است.

با شروع تهاجم دشمن به شهرهای مرزی ایران، زنان نیز همچون مردان در محورهای مختلف جبهه های نبرد همچون جبهه های خرمشهر، آبادان، سوسنگرد و هویزه مشارکت مستقیم داشتند و با انجام فعالیت هایی چون نگهداری از مقرهای خواهران، مساجد و حتی سنگرها، محافظت از مهمات، تخلیه کمک های مردمی، پرکردن گونی های سنگری و تهیه کوکتل مولوتف، حضور موثری در جبهه داشتند.^(۱۸)

نهادمند محقق می گردد و مردم با واسطه هایی در فعالیت سیاسی شرکت می کنند، اما در مشارکت توده ای افراد با هدایت دولتی به صورت توده ای شرکت می کنند.^(۱۵)

خانم مصفا در تقسیم بندی دیگری از انواع مشارکت سیاسی معتقد است به دلیل اختلاف بین زنان از نظر سواد، اشتغال، آگاهی و... می توان مشارکت سیاسی زنان را در دو سطح (توده و نخبگان) تحلیل و برای هر یک، انواعی را بر حسب مطالب قبلی به شرح ذیل مشخص کرد.

۱) مشارکت در سطح توده ای: مشارکت سیاسی زنان در سطح توده ای به روش های زیر می تواند صورت گیرد:

الف) شرکت در انتخابات و استفاده از حق رای که یک راه عمومی مشارکت زنان در سطح توده هاست. ب) شرکت در گروه ها و انجمن ها و احزاب سیاسی.

ج) شرکت در تجربه های اجتماعی (مانند جنگ، خدمات انسان دوستانه، جنبش های محیط زیستی و بهداشتی). این فعالیت ها به افزایش ارتباط بین زنان و جامعه منجر می گردد و در نتیجه به عنوان نوعی از مشارکت سیاسی می تواند تلقی شود.

۲) مشارکت در سطح نخبگان: این سطح مشارکت سیاسی معمولاً در حیطه زنانی است که دارای تحصیلات عالی، متخصص، آگاهی، علاقه و تعهد اجتماعی می باشند. حضور در وضعیت اخذ تصمیم برای جامعه، مهم ترین ویژگی این سطح از مشارکت است.^(۱۶)

جلوه های مشارکت سیاسی زنان در جنگ تحمیلی

با تهاجم و تجاوز دشمن به شهرهای مرزی ایران و به موازات خیزش عمومی و حضور مردان در جبهه ها، بانوان غیور و شجاع کشور نیز مقاومت در برابر دشمن تا بن دندان مسلح را بر خود فرض دانسته و در کوران حوادث و حملات ناجوانمردانه و نابرابر، به یاری دلیر مردان سپاه اسلام بپاخواستند و از بذل مال، جان، فرزند و همسر نیز دریغ نورزیدند.



از مهم ترین فعالیت زنان، مبارزه با ستون پنجم دشمن بود. زنان با اشراف خاصی که بر منطقه مسکونی خود داشتند حرکات و شایعات دشمن را به دقت زیر نظر گرفته و بدون اینکه دشمن متوجه نظارت آنها باشد، اطلاعات جمع آوری شده را در اختیار مقامات و مراجع ذیربط گذاشته و نقشه های ستون پنجم را خنثی می کردند.^(۱۹) طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی، در طول هشت سال

دفاع مقدس، از میان زنان بیش از ۴۰۰۰ نفر جانباز و آزاده^(۲۰) و تعداد ۴۳۶۳ نفر شهید شدند.^(۲۱)

ب) نقش پشتیبانی زنان

در جنگ هشت ساله اگرچه بخش عظیمی از درآمد کشور صرف هزینه جنگ می شد، اما به لحاظ وسعت میدان جنگ، طولانی بودن مدت درگیری، محاصره اقتصادی و وضعیت نامطلوب اقتصاد داخلی، دولت قادر به تأمین تمام هزینه های پشتیبانی جبهه ها نبود. از این رو، استفاده از توان نیروهای مردمی در امر پشتیبانی جنگ بسیار ضروری بود. در این میان، زنان با حضور فعالانه در ستادهای پشتیبانی نقش مهمی را در این عرصه ایفا کردند.^(۲۲)

ایجاد ستادهای جمع آوری کمک های مردمی در مساجد و مدارس، دسته بندی و ارسال انواع نیازمندی های رزمندگان، تعمیر تجهیزات، بازسازی وسایل و البسه، پتو و وسایل زیستی رزمندگان در جبهه ها،^(۲۳) تهیه مواد غذایی و شستشوی پتو، ملحفه و البسه رزمندگان،^(۲۴) برخی از فعالیت های پشتیبانی زنان از جبهه ها را دربر می گرفت.

از مهم ترین جلوه های پشتیبانی زنان، کمک های اقتصادی آنان به جبهه ها در ضمن نیازمندیشان بود. آنان با آگاهی از شرایط جنگ، ساده زیستی را نصب العین خود قرار داده و ضمن محدود نگه داشتن سطح توقعات خود، در امر کمک رسانی به جبهه ها اهتمام ویژه ای داشتند.^(۲۵) در این راستا، زنان روستایی نیز، به صورت خود جوش، با ایجاد تشکل هایی برای پشتیبانی از جبهه ها به تهیه و تدارک مواد غذایی و پوشاک می پرداختند.^(۲۶)

ج) نقش امدادی زنان

بیمارستان ها، نقاهتگاه ها و سایر مراکز درمانی و پزشکی در دوران دفاع مقدس، شاهد ایثارگری های زنان شاغل در حرفه پزشکی و زنان داوطلبی بودند که با گذراندن دوره های کوتاه مدت امدادگری خدمت می کردند.^(۲۷) در زمینه خدمات امدادی، زنان ایفاگر دو نقش بودند:

۱. حضور پرستاران و کادر پزشکی در شهرهای جنگی و خطوط مقدم و درمان رزمندگان و حتی اسرای جنگی؛ و
۲. راه اندازی ستادهای امداد و درمان در شهرها و تهیه اقلام دارویی.^(۲۸)

د) نقش فرهنگی، تبلیغی و عاطفی زنان

شاید بتوان مهم ترین نقش زنان در عرصه جنگ را نقش فرهنگی آنان دانست. این بخش هم از حیث گوناگونی فعالیت های فرهنگی که زنان به آن می پرداختند و هم از نظر تأثیرگذاری، دارای اهمیت به سزایی بود. انجام این نوع فعالیت ها هم باعث ترویج فرهنگ ایثار و شهادت می شد؛ و فضا سازی لازم را ایجاد می کرد و هم موجب بالا رفتن روحیه رزمندگان و خانواده های آنان می شد. نمود عینی این تأثیرگذاری را در موارد ذیل می توان مشاهده کرد:

۱. حضور در عرصه های فرهنگی و تبلیغ و تجلیل و تکریم مقام شهیدان و عیادت مجروحان و سرکشی به خانواده شهدا، اسرا و رزمندگان و مقابله با شایعات و عوامل تخریب روحیه، مقابله با منافقان و ضدانقلاب، شرکت یکپارچه در تشییع پیکر شهیدان و محافل بزرگداشت یاد و خاطره آنان.
۲. راه اندازی کاروان های خانواده شهدا و خواهران برای حضور در جبهه ها و توزیع هدایا، ایراد سخنرانی و راه اندازی کاروان های زیارتی برای تقویت روحیه رزمندگان.
۳. صبر و بردباری در مقابل شهادت، مجروحیت و اسارت عزیزان و تحمل دوری آنان و تقبل سهم مردان در قبال تربیت فرزندان.^(۳۹)
۴. انجام ازدواج های آگاهانه و با هدف پشتیبانی انقلاب و زمینه سازی حضور بیشتر مردان در عرصه جنگ.^(۴۰)

۵. پوشش دادن اخبار

مربوط به جنگ در قالب انجام فعالیت های خبرنگاری و رسانه ای. در مجموع، نقش آفرینی زنان متناسب با توانمندی های آنها بود، گاه به ضرورت به شهرهای جنوبی و غربی درگیر جنگ

می رفتند و فعالیت های گوناگونی را انجام می دادند و گاه در منزل برای رزمندگان کلاه و شال و لباس می دوختند. مشارکت زنان در جنگ، گاهی اوقات در قالب سوژه مطالعاتی دختران دانشجو نمود می یافت، آنجا که به ساختن ماکت های رزمی، عملیاتی و آموزشی می پرداختند. این ماکت ها در منطقه عملیاتی کاربردی حساس داشت و عملیات ها روی آنها پیاده می شد که این خود در سرنوشت عملیات ها بسیار موثر بود و تعداد شهدا را به حداقل می رساند.^(۴۱) در قالب یک کار تحقیقی، فراوانی شاخص های مربوط به نقش زنان در امور پشت جبهه های جنگ و صحنه دفاع نظامی در جمهوری اسلامی در جدول پایین صفحه بیان شده است.^(۴۲)

عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق

در دو بخش گذشته، مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان و نمودهای مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق را مطرح کردیم حال به بررسی عوامل موثر بر این مشارکت می پردازیم. هر نظام سیاسی در تعامل با عوامل مختلف محیط داخلی قرار دارد. تنها با در نظر گرفتن کلیه شرایط ویژه محیطی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ارزشی است که می توان یک تحلیل درست از اتفاق مشارکت سیاسی زنان در طرح جنگ تحمیلی به دست داد. در بحث محیط داخلی ما به چهار عامل توجه خواهیم کرد:

مقدمه	معرف (شاخص)	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
نقش زنان در امور پشت جبهه در صحنه دفاع نظامی	فعالیت ها زنان در پشت جبهه های جنگ تحمیلی نقش مادران و همسران در جنگ تحمیلی وجوب دفاع و تعلیمات نظامی برای زنان مسلمان	۲۷ ۱۰ ۱۲	۵۵/۱۰ ۲۰/۴۰ ۲۴/۵
جمع		۴۹	۱۰۰

تغییرات مهم در میدان رقابت قدرت سیاسی و دولت بود. جنگ تحمیلی، قدرت سیاسی را به دولت منتقل کرد. همچنین به علت شرایط اجتماعی، قدرت سیاسی متمرکز به قدرت نامتمرکز تبدیل شد و به همین نسبت مشارکت مردم در جنگ نیز افزایش یافت. بر این اساس، جنگ جنبه تدافعی پیدا کرد و نیروهای داوطلب مردمی در حرکت های خودجوش مردمی عهده دار پشتیبانی و دفاع شدند و این امر به مشارکت وسیع مردم انجامید.^(۳۵)

در نظر اقتصادی، رویارویی با دشمن مهاجم مستلزم فراهم نمودن امکانات عظیم مادی و اقتصادی بود؛ اما به لحاظ وسعت میدان جنگ، طولانی بودن مدت درگیری، محاصره اقتصادی و کاهش قیمت جهانی نفت، مسدود بودن دارایی های ایران در بانک های خارجی و ... دولت قادر به تأمین تمام هزینه های پشتیبانی جبهه نبود، لذا مداخله نیروی عادی مردمی در امر پشتیبانی جنگ افزایش یافت و سبب شد تا مردم به تکیه گاه اصلی جنگ تبدیل شوند.^(۳۶)

۳) تغییرات فرهنگی

مهم ترین تغییر ناشی از جنگ تحمیلی در بخش فرهنگی اتفاق افتاد. آلمال در مقاله خود تحت عنوان نقش زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق این تغییرات را چنین تبیین می کند: «در زمان جنگ تحمیلی، جامعه استبدادزده پیش از انقلاب اسلامی، که در آن ارزش های والا در خفا به سر می بردند، ناگهان در دوران جنگ تحمیلی با شکوفایی ارزش های جدیدی مواجه شد که جنگ به آنها ثبات و تداوم بخشیده بود. بخش دیگر تغییرات فرهنگی، به نقش افراد و نیروهای اجتماعی مربوط می شود که فرآیند تغییرات ناشی از جنگ را بر عهده دارند.

جنگ صرفاً با کنش فردی تغییر نکرد بلکه اعمال ارادی همه افراد، که «اجزای نیروی اجتماعی» به شمار می روند موجب تغییر در فرآیند جنگ شد. مشارکت وسیع زنان در دوره جنگ تحمیلی از مهم ترین دستاوردهای تغییرات

۱) پیشینه تاریخی مقام سیاسی زنان در ایران

زن ایرانی در طول تاریخ موجودی است که به لحاظ فرهنگ حاکم بر جوامع در حاشیه تحولات قرار داشته است. به طوریکه تا پایان عهد قاجار، نامی از زن و حقوق زن و آزادی زن و ... وجود ندارد. در عصر پهلوی هر چند شعار آزادی زنان محور سیاست ها قرار گرفت و زنان در مرکز سیاست های تبلیغاتی رژیم قرار داشتند و از برخی حقوق برخوردار شدند، اما در عمل همچنان در حاشیه ای قرار داشتند. در این دوران بیش از آنکه حضور کیفی زنان مدنظر باشد، حضور کمی آنها مورد توجه گرفت و در عرصه های مختلف زنان از نقش های کلیدی بی بهره ماندند.^(۳۳)

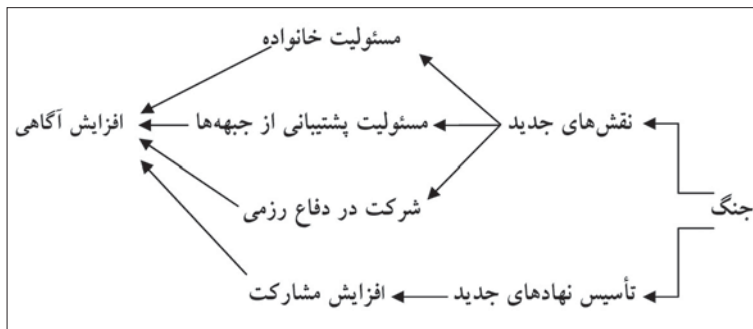
با چنین پیشینه ای، زنان در جریان انقلاب به صحنه آمده و به صورت یک نیروی عظیم وارد متن تحولات می شوند و با نفی وضع موجود، برای سرنوشت خود و آینده کشور تصمیم می گیرند. این حضور

را باید اعتراض گسترده ای به اندیشه نفی زن به عنوان یک انسان، شیء گونگی و مبنا قرار دادن فیزیکی زن، حاشیه گرایی و آزادی ظاهری، که به تدریج طی سال ها و قرون متوالی به صورت یک فرهنگ در جامعه ایران جا افتاده بود، دانست.^(۳۴)

۲) تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زمان جنگ

جنگ مهم ترین شکل حیات اجتماعی است، زیرا نوعی تحول شتابان است که تغییرات رایج فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را به دنبال دارد. در بخش سیاسی آنچه در جریان جنگ تحمیلی مشهود تر بود ایجاد

نقش های جدیدی که زنان در دوره جنگ تحمیلی بر عهده گرفتند به مفهوم گسست باور سنتی حیات اجتماعی زنان در چارچوب اجتماع بود



اجتماعی دوره جنگ بود. جنبه‌های مختلف این مشارکت را در نمودار روبه‌رو می‌توان مشاهده کرد.

نقش‌های جدیدی که زنان در دوره جنگ تحمیلی بر عهده گرفتند به مفهوم

گسست باور سنتی حیات اجتماعی زنان در چارچوب خانواده و دستیابی به باور حیات خانوادگی زنان در چهارچوب اجتماع است.

با وقوع جنگ تحمیلی و افزایش مشارکت‌های مردمی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی جدیدی شکل گرفتند. زنان پس از ۵ سال حضور فعالانه در عرصه دفاع مقدس، سازمان مخصوصی را تحت عنوان «بسیج خواهران» برای خودشان تأسیس کردند. بسیج خواهران در حکم سازمانی رسمی در کنار سایر سازمان‌ها، به فعالیت پرداخت. این تشکل بیانگر این واقعیت بود که فعالیت مستمر زنان سرانجام اندیشه ایجاد سازمان و نظم مخصوص آنها را به جامعه تحمیل کرد و این امر در تاریخ ایران بی‌سابقه بود.^(۳۷)

۴) نظام ارزشی حاکم

گذشته از مجموعه عوامل یادشده، مجموعه اصول اعتقادی و قانونی ناظر بر مشارکت سیاسی زنان حائز اهمیت می‌باشد؛ در این راستا، مجموعه عواملی که همراه یکدیگر موجبات اعتقادی و اجرای قانونی مشارکت سیاسی زنان در زمان جنگ را فراهم آورد در چهار مورد قابل بررسی است:

الف. آموزه‌های اسلامی

درباره موافقت اسلام با مشارکت سیاسی اجتماعی - سیاسی زنان، دلایلی از قرآن و سنت وجود دارد. در این میان، قرآن کریم مهم‌ترین منبع مشروعیت حقوق سیاسی زنان به شمار می‌آید. از جمله اینکه خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۲ بیان می‌کند: «ای

پیامبر چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند ...

و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آموزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.»^(۳۸)

همچنین تاریخ صدر اسلام نیز بیانگر ایفای نقش‌های سیاسی زنان است که می‌توان به بیعت زنان با پیامبر(ص) و

امیرالمومنین(ع)، سیره حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) اشاره نمود.^(۳۹) با توجه به این موارد، از لحاظ آموزه‌های دینی، هیچ شبهه‌ای در مشارکت زنان در حیات اجتماعی وجود ندارد.

ب. نظرات امام خمینی(ره)

مجموعه نظریاتی که امام خمینی(ره) در طی جنگ تحمیلی درباره مشارکت زنان ابراز کردند، نقطه عطفی در مباحث مربوط به این موضوع است. مجموع نظرات حضرت امام(ره) در زمینه نقش امنیتی زنان در امنیت ملی کشور را می‌توان به سه بعد تقسیم بندی کرد:

طبق آمار بنیاد شهید

انقلاب اسلامی، در طول

هشت سال دفاع مقدس، از

میان زنان بیش از ۴۰۰۰ نفر

جانبا‌ز و آزاده و تعداد

۴۳۶۳ نفر شهید شدند

تزیق ارزش‌گرایی و باورهای ایدئولوژیک به جامعه بود. جنگ ایران و عراق به یکی از مفاهیم سیاسی اسلام تبدیل شده بود. حفظ جمهوری به معنی حفظ جهان اسلام در برابر سراسر جهان کفر تلقی می‌گردید و وظیفه تک‌تک مسلمانان حمایت از آن بود. وظیفه زنان در چهارچوب این رویکرد معنی می‌یافت. دولت به مداخله و تعیین تکلیف در مورد زنان برای استمرار و بازتولید خویش اقدام نمود. در این دیدگاه، زنان هم‌حامیان و مدافعان جمهوری اسلامی بودند و باید در عرصه‌های عمومی حضور مستقیم می‌داشتند و هم به عنوان مربی و معلم جامعه دست‌اندرکار تربیت نسل‌های بعدی بودند. لذا سیاستگذاری‌ها باید هر دو حد مورد نظر این رویکرد را تأمین می‌نمود.^(۴۳)

در مجموع حضور گسترده زنان در جبهه و پشت جبهه و تلاش‌ها و فعالیت‌های بی‌شائبه آنان از عوامل ذیل متأثر بود:

۱. **عامل انقلاب اسلامی:** اصولاً ایدئولوژی انقلاب بر اساس آموزه‌های اسلامی بر آن بود که زنان ایرانی را که تحت تأثیر الگوهایی خاص از زنان غربی، به تدریج به شیء گشتگی هدایت می‌شدند و درگیر بحران هویتی بودند، از بند برهاند و شخصیت و هویت محکمی بر اساس آموزه‌های جدیدی که امام خمینی (ره) و ... مطرح می‌کردند به آنان اعطا کند.^(۴۴) در سایه این ایدئولوژی نو، زن از چهار دیواری محدود خانه به بیرون آمد و شخصیت واقعی خود را پیدا کرد. تحولات ناشی از تأثیر انقلاب اسلامی را بر روی زن مسلمان ایران می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف) خودشناسی: زنان از طریق انقلاب اسلامی مقام و موقعیت خود را در جامعه بازشناختند و نسبت به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود آگاهی یافتند که این امر در نقش‌آفرینی آنان در جنگ تأثیر فراوانی داشت. آیت‌... مطهری در خصوص تأثیر شناخت بر رفتار آدمی می‌گوید: «خودشناسی به این معناست که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند و نسبت به این

۱. جواز عضویت در نیروهای مسلح و وجود آن در زمان دفاع همه‌جانبه از اسلام (شامل عضویت در سپاه، بسیج، ارتش و وجود دفاع و آموزش نظامی که مقدمه آن است).

۲. نقش غیرمستقیم در حمایت از مدافعین (شامل مواردی نظیر تأکید بر نقش شهیدپروری، کمک به جبهه‌ها حتی با پختن نان، ایثار در ازدواج با جانبازان و تأکید بر نقش ترغیبی زنان بر غیرت مردان می‌باشد).

۳. نقش مستقیم (شامل حضور زنان به عنوان عامل پیروزی در پشت جبهه و در جبهه و حضور همگی در جبهه هنگام وجود دفاع می‌باشد).^(۴۵) در یک تحقیق انجام شده، رتبه‌بندی نقش‌های زنان در کلام امام (ره) چنین آمده است:^(۴۶)

نقش	فراوانی	درصد نسبت به کل
سیاسی - اجتماعی	۲۵	۴۰/۵۴
تعلیم و تربیت و تهذیب کودکان	۲۱۱	۳۳/۵۴
علم و فرهنگ همراه با تهذیب نفس	۹۵	۱۵/۱۰
دفاع و مبارزاتی در احقاق	۴۹	۷/۸
اقتصادی	۱۹	۳/۰۲

ج. قانون اساسی

قانون اساسی کشورها اصول کلی و قانونی حاکم بر نظام مشارکت جامعه را مشخص می‌کند. زمینه‌های قانونی مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. بند هشتم قانون اساسی مشارکت عامه مردم را در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می‌کند و هیچ تبعیضی بین زن و مرد قائل نیست. همچنین در اصل بیستم آمده که همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.^(۴۷)

د. ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی

توجه غالب نظام سیاسی در ایران دوران جنگ،

سرنوشت و فعالیت های خود را انتخاب کند.»

ه) مسئولیت پذیری در زنان: پیدایش احساس مسئولیت جدید و پذیرش آن از سوی بانوان ایرانی، باعث تحول و دگرگونی روحی بزرگی در آنان شد و آنان را به صحنه های اجتماعی و سیاسی کشور سوق داد.^(۴۷)

۲. نقش الگوی زنان نمونه تاریخ اسلام: زنان مسلمان ایرانی از نمونه ها و الگوهای ارائه شده در قرآن، همچنین زنان موثر در تاریخ معاصر

ایران همچون جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت تأثیر پذیرفته و سیره آنان خصوصاً حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) در زمینه های جهاد و دفاع را فصل الخطاب فعالیت خود قرار دادند.



نتیجه گیری

در سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ که جوانان این مرز و بوم به همراه اقشار مختلف جامعه در جبهه های جنگ حضور داشتند، زنان نیز علاوه بر مدیریت امور خانواده و انجام فعالیت های روزمره خود، به صورت خودجوش، تشکل هایی را ایجاد کرده بودند که طیف های مختلفی از گستره فعالیت های رزمی و پشتیبانی را در بر می گرفت. این موضوع تجربه جدیدی در مجموعه مشارکت های مردمی در کشور بود، چیزی که در طول تاریخ ایران با این کیفیت مشاهده یا ثبت نشده است. در این مقاله، علل زمینه ساز این حرکت تاریخی در قالب مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق، در سه بخش مورد بررسی قرار گرفت:

بخش اول با تعریف مشارکت سیاسی به مثابه «فرآیند مبتنی بر حضور آگاهانه فرد به عنوان عضو جامعه و نظام در صحنه های سیاسی و اجتماعی

موضوع شناخت پیدا کند که او آزاد و مختار خلق شده و مسئول خویشتن و افراد دیگر- و مکتب و جامعه خود- می باشد.»

ب) دگرگونی در فرهنگ سیاسی جامعه زنان: یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، تبدیل فرهنگ سیاسی محدود جامعه زنان، به فرهنگ سیاسی مشارکتی بود. منظور از فرهنگ سیاسی مشارکتی این است که فرد خود را به عنوان عضو فعالی از جامعه بداند. زن بعد از انقلاب خود را عضوی فعال از جامعه به حساب آورد و نسبت به نظام انقلاب احساس تکلیف نموده و در صحنه حضور داشت.^(۴۵)

ج) ایجاد نگرش مثبت نسبت به زن: فضای پس از انقلاب اسلامی فرصت مناسبی برای پالایش اندیشه های منفی نسبت به زنان ایجاد کرد. تعریف هویت زن در نظام ارزشی پس از انقلاب، به ویژه در دوران دفاع مقدس و حاکمیت ارزش های معنوی، دگرگون شد و زنان دریافتند که هویت انسانی که اسلام برای آنان قائل است در فضای جنگ، حضور در صحنه و اثبات می باشد.^(۴۶)

د) اعطای آزادی واقعی از دست رفته به زن مسلمان: امام خمینی (ره) می فرمایند: «اسلام هیچ گاه مخالف آزادی زنان نبوده است. در اسلام زن مانند مرد آزاد است که

جامعه و ایفای نقش یا نقش های محوله مطمح نظر قرار گرفت که برای تبیین وضعیت مشارکت زنان در جنگ ایران و عراق بسیار مهم است. نکته حائز اهمیت این تعریف، حضور آگاهانه و فعالانه فرد به عنوان کنش گر تعاملات اجتماعی است که به صورت داوطلبانه صورت می پذیرد. در واقع این همان وجه ممیزه فعالیت زنان در دوره هشت ساله دفاع مقدس می باشد.

در بخش دوم، جلوه های مشارکت سیاسی زنان در جنگ که جلوه گر نقش های گوناگون رزمی، امدادی، پشتیبانی، فرهنگی، تبلیغاتی و تربیتی توسط آنان بود، مورد بررسی قرار گرفت. با دقت نظر در این نوع نقش آفرینی ها، می توان الگوی مشارکت سیاسی زنان در طول جنگ را مشارکت خودجوش و فعال و در سطح توده ای دانست، چرا که اولاً از روی اختیار و عدم اجبار و الزام ساین بود؛ ثانیاً در این مشارکت، افراد به گونه ای خودجوش و با توجه به علاقه ها و سلیقه های خود با تشکیل انجمن، حزب یا گروه به فعالیت دست زدند.

در بخش سوم تحت عنوان عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ، نقش عوامل محیطی در قالب پنج محور، پیشینه تاریخی، تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمان جنگ، تغییرات فرهنگی در زمان جنگ، نظام ارزشی حاکم و مشروعیت مورد بررسی قرار گرفت که مجموعه آنان تبیین کننده وضعیت مشارکت های مردمی و مشارکت زنان در دوران جنگ می باشد.

از یک دیدگاه، مشارکت سیاسی زنان ناشی از نقش، کارکرد و تأثیری است که مشارکت آنها در تحولات سیاسی جامعه برجای می گذارد. چنانچه برای مشارکت زنان در مسایل سیاسی جامعه کارکردی تصور نشود، یا این کارکرد در حد بسیار پایین قرار گیرد، زنان نسبت به مسائل سیاسی، بی تفاوت شده و میزان مشارکت سیاسی آنان تنزل خواهد کرد. تمایل زنان به مشارکت سیاسی، تابع عوامل گوناگونی نظیر احساس بی قدرتی، عدم اعتماد به نفس و فقدان انگیزه پیشرفت است.

اظهار نظر در مورد اینکه مشارکت سیاسی بالای زنان در دوران جنگ معلول کدام تحول ساختاری، مخصوصاً ساختار فرهنگی در کشور است، انگاره ای است که خود نیازمند پژوهش های علمی بسیار در این زمینه است. بررسی ادبیات تحقیق حاکی از آن است که مسئولان و پژوهشگران کشور از کنار این واقعه مهم با کم توجهی گذشته و توجه لازم را به آن نداشته اند.

با مرور کلی بر نحوه فعالیت زنان در این دوران و با نگاهی گذرا به خاطرات به جا مانده از آن دوران، می توان به این نتیجه کلی دست یافت که پیروزی انقلاب اسلامی و به تبع آن وقوع جنگ تحمیلی، ارزش های اعتقادی شیعه و مفاهیمی چون دفاع از حریم دینی و ... را به اعلا مرتبه درجه احیا کرد و این ارزش ها خود به عنوان متغیر مستقل، متغیرهای بسیاری در امر مشارکت را به صورت وابسته در آورده و فضای مناسبی را جهت فعالیت زنان ایرانی در دوران جنگ ایجاد کرد.

همان طور که در بخش نخست گفته شد، گروهی از محققان بر این باورند برخی از عوامل زمینه های مساعدی را برای مشارکت ایجاد می کنند. براساس این دیدگاه، مشارکت در بین دارندگان سطوح آموزشی بالاتر، درآمد بیشتر و مشاغل برتر به نحو چشمگیری بیشتر است. همچنین مردان بیشتر از زنان مشارکت می کنند و نیز

یادداشت‌ها

۱. نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴.
۲. عنایت ا... یزدانی، «دفاع مقدس و رسالت زن مسلمان»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهید استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷۴، ص ۳۴۵.
۳. ایمان نگینیان، مشارکت سیاسی زنان و بررسی نقش آنان در قدرت از دهه ۹۰ تا کنون، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷، صص ۶۱-۶۳.
۴. حسین بشیریه، «حدود و موانع مشارکت زنان در زندگی سیاسی»، پیام هاجر، سال هفدهم، شماره ۲۷، ۱۳۷۶، ص ۲۸.
۵. شهلا کاظمی پور، «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در مشارکت سیاسی زنان»، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، بی جا، بی نا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷.
۶. کمال اکبری، رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹.
۷. نگینیان، پیشین، ص ۶۷.
۸. یزدانی، پیشین، ص ۳۴۶.
۹. ام البنین چابکی، «نقش عوامل روان شناختی در مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۱۱۸-۱۲۵.
۱۰. عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۱، ص ۳۴۷.
۱۱. یزدانی، پیشین، ص ۳۴۷.
۱۲. جرج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی، احمدرضا غروی زاده، تهران: نشر ماجد، ۱۳۷۳، ص ۹۶.
۱۳. مصفا، پیشین، ص ۱۲۵.
۱۴. اکبری، پیشین، ص ۶۵-۷.
۱۵. همان، ص ۷۰.
۱۶. مصفا، پیشین، صص ۶۶-۶۷.
۱۷. ملک فام، «نقش زنان در دفاع»، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین سمینار زن در دفاع مقدس، کمیسیون امور بانوان اهواز، اهواز: بی نا، ۱۳۷۴، ص ۲۹۶.
۱۸. محمدباقر نیکخواه، «بررسی حضور زنان در جنگهای صدر اسلام و مشارکت و نقش زنان در هشت سال دفاع مقدس»، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، کمیسیون امور بانوان استان خوزستان، اهواز: بی نا،

شهرنشینان بیش از روستائیان مشارکت می کنند؛^(۴۸) اما اطلاعات به دست آمده از پژوهشی که بر روی شهدای زن صورت گرفته، حاکی از آن است که عوامل فوق الذکر به عنوان عوامل زمینه ساز مشارکت در طی جنگ ایران و عراق، کاربرد چندانی ندارند. این پژوهش نشان می دهد همه شهدای زن، ما تحصیلات عالی و کافی نداشته اند اما با درک شرایطی که پیش آمد به خودآگاهی رسیدند و آگاهانه از حقیقت متعالی اسلام دفاع کردند. طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی تعداد ۴۳۶۳ نفر از زنان این مرز و بوم در طول هشت سال دفاع مقدس به شهادت رسیدند. که از این میان، حدود ۱۷۳ درصد دانش آموز، ۳ درصد دانشجوی و ۲/۰ درصد طلبه بوده اند. حدود ۵۶ درصد از این تعداد، خانه دار و ۱۵ درصد نیز شغل شان اعلام نشده است. از دیگر یافته های پژوهش فوق این است که با افزایش سن زنان، تعداد شهدا کاهش یافته است. همچنین حدود ۸۴/۸ درصد از شهدای زن در شهرها و ۱۵/۲ درصد در روستاها ساکن بوده اند.^(۴۹)

در پژوهش دیگری چنین آمده: «زنان روستایی در طی جنگ تحمیلی، علاوه بر همکاری در اداره روستا، به صورت خودجوش تشکل هایی را برای پشتیبانی از جبهه ها و تأمین بخشی از مایحتاج فرزندان، برادران و همسران شان در جنگ ایجاد کرده بودند که به تهیه و تدارکات مواد غذایی و پوشاک می پرداختند. میانگین سنی افرادی که این تشکل ها را خلق کرده بودند بین ۳۵ تا ۳۶ سال بوده که ۹۵/۵ درصد آنها خانه دار بوده اند. از نظر تحصیلات ۸۱ درصد آنها بی سواد و ۱۹ درصد باسواد بوده اند.^(۵۰) با توجه به این ارقام و آمار به راحتی می توان دریافت که مشارکت سیاسی زنان در جنگ با هیچ یک از مولفه های رایجی که در بحث های مشارکت سیاسی سنجیده می شود، قابل ارزیابی نیست. فهم الگوی مشارکت زنان در این مقطع، نیازمند الگویی می باشد که یقیناً ارزش های برخاسته از مکتب اسلام، در آن از نقش محوری برخوردار است.

- ۱۳۷۴، صص ۱۸۰-۱۸۱.
۱۹. بیژن سیدی، «زنان، فرهنگ ایثار و شهادت و چالش‌های پیش رو»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ شهادت، ۱۳۸۴، صص ۳۷۹.
۲۰. بی‌نام، نیمه پنهان ایثار و شهادت، تهران: ریحانه، ۱۳۸۱، صص ۵۵.
۲۱. فرنگیس آلمال، «زن-جنگ: نقش زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق»، علیرضا کمبری، نام آورد، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۳۹۰.
۲۲. زهرا رحمانیان، نقش پشتیبانی - رزمی زنان در دفاع، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۷۶، صص ۱۹.
۲۳. گنجور طهماسبی، «مشارکت سیاسی زنان در دوران دفاع مقدس و شرایط کنونی»، فاطمه محبی، گزارش تفصیلی همایش اول و دوم آیه‌های ایثار، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۲، صص ۶۴.
۲۴. نیکخواه، پیشین، صص ۱۳۸.
۲۵. احمد لطفی، «نقش زن در دفاع مقدس»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهیدی استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷۵، صص ۲۹۱.
۲۶. عزت... سام آراء، «تشکل‌های خودجوش زنان روستایی برای پشتیبانی جبهه‌های جنگ تحمیلی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۵.
۲۷. رحمانیان، پیشین، صص ۵.
۲۸. طهماسبی، پیشین، صص ۶۴.
۲۹. همان، صص ۶۵-۶۴.
۳۰. فرزانه مافی، آشنایان ناآشنا، تهران: دبیرخانه دائمی کنگره برای نقش زنان در دفاع و امنیت، ۱۳۷۶، صص ۶۶.
۳۱. همان، صص ۱۵۹.
۳۲. فاطمه صفری، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زنان مسلمان در جامعه اسلامی براساس دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۱۰۸.
۳۳. مریم حسن، بررسی اوضاع اجتماعی، فرهنگی زنان در دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۷۹، صص ۱۲۹.
۳۴. همان، صص ۱۳۰.
۳۵. آلمال، پیشین، صص ۴۰۸.
۳۶. رحمانیان، پیشین، صص ۱۹.
۳۷. آلمال، پیشین، صص ۴۰۹.
۳۸. مصفا، پیشین، صص ۱۱۴.
۳۹. حسن، پیشین، صص ۹۳.
۴۰. مجتبی اسکندری، «مقایسه برنامه‌های بین‌المللی در زمینه توسعه و امنیت زنان در دیدگاه‌های امام خمینی». مجموعه مقالات همایش زن-امنیت-توسعه، تهران: دفتر امور مشارکت زنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹، صص ۹۱.
۴۱. صفری، پیشین، صص ۱۲۰.
۴۲. مصفا، پیشین، صص ۱۲۰.
۴۳. آسیه میرآقایی، بررسی وضعیت زنان در سپهر عمومی ایران (۱۳۷۷-۱۳۵۷)، پایان‌نامه دکتری تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۱۶.
۴۴. علی ناجی راد، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲، صص ۳۱۹.
۴۵. عنایت‌ا... یزدانی، «دفاع مقدس و رسالت زن مسلمان»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهیدی استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷۵، صص ۵۶.
۴۶. فاطمه محبی، تأثیر دفاع مقدس بر نگرش‌های زنان، گزارش تفصیلی همایش اول و دوم آیه‌های ایثار و تلاش، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۲، صص ۱۳۹.
۴۷. مرتضی شیرودی، نقش سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۶، صص ۵۴.
۴۸. بشیریه، پیشین، صص ۳۰.
۴۹. آلمال، پیشین، صص ۳۹۴-۳۹۰.
۵۰. سام آراء، پیشین، صص ۶۶-۶۰.